

|  |
| --- |
| درس خارج فقه حضرت آیة الله حسینی بوشهری  **موضوع کلی: قسم دهم از نجاسات، فقّاع**  تاریخ: 28 آذر 1391  **موضوع جزئی: حکم کشمش و خرمایی که در غذا ریخته می‏شود- فقّاع** مصادف با: 4 صفر 1434  **سال:** **چهارم** جلسه: 40 |

«الحمدلله رب العالمين و صلي‌الله علي محمد و آله الطاهرين و اللعن علي اعدائهم اجمعين»

مسئله 204: **یجوز أکل الزبیب والکشمش و التمر فی الأمراق و الطبیخ و إن غلت فیجوز أکلها بأی کیفیةٍ کانت علی الأقوی.**

مرحوم سید در این مسئله، فرع دیگری را مطرح می‏کنند که آیا از کشمش، خرما و امثال آن که در پختنی‏ها ریخته می‏شود اگر غلیان پیدا کند، می‏شود استفاده کرد یا خیر؟

ایشان می‏فرماید: به هر شکل که اتفاق بیفتد خوردن اینها جایز است. لازم است در اینجا یک بحث مبنایی مطرح شود که نظر ما در جلسات گذشته در رابطه با کشمش و تمر، چه بود؟ تا بر اساس آن، در اینجا هم نظرمان را بیان کنیم. در جلسات قبل گذشت که عصیر کشمش و خرما تا زمانی که نگویند مسکر است چه غلیان پیدا کند و چه نکند، حلال است اما اگر کسی در آنجا قائل به حرمت شد در فرع کشمش و خرمایی که در غذا ریخته می‏شود چگونه حکم می‏کند؟ فقهاء می‏فرمایند: باز هم خوردن آن مشکلی ندارد زیرا بر دانه کشمش و خرما عصیر، صدق نمی‏کند. بنابراین اگر غذایی که کشمش و امثال آن، در آن وجود دارد غلیان پیدا کرد موجب حرمت دانه کشمش و امثال آن نمی‏شود؛ زیرا ما دلیلی بر حرمت غلیان دانه داخل کشمش نداریم و دلیل بر حرمت آنچه که عنوان عصیر دارد، دلالت می‏کند. اما اگر در رابطه با عصیر کشمش و خرما قائل به نجاست شدیم، صرف ملاقات کشمش و امثال آن با آب، موجب نجاست می‏شود در نتیجه نمی‏شود مسئله استهلاک را مطرح کرد. لذا موجب نجاست می‏شود. خلاصه اینکه چون مبنای ما عدم حرمت تمر و کشمش است- تا چه رسد به نجاست آنها- بنابراین در رابطه با مسئله کشمش و تمری که در غذا قرار می‏گیرد، چه غلیان پیدا کند و چه نکند، مانعی وجود ندارد.

فقّاع:

**العاشرُ الفقّاع و هو شرابٌ متّخذٌ من الشعیر علی وجهٍ مخصوص و یقال أنّه فیه سکراً خفیاً و إذا کان متخذاً من غیر الشعیر فلا حرمة و لا نجاسة له إلا إذا کان مسکراً.**

دهمین قسم از اقسام نجاسات، فقّاع است. مرحوم سید می‏فرماید: فقّاع چیزی است که به شیوه خاصی از جو گرفته می‏شود و گفته شده که مستی فقّاع کمتر از خمر است. ایشان در ادامه می‏فرماید: اگر فقّاع از غیر جو، گرفته شود و حالت اسکار نداشته باشد قطعاً حرمت و نجاستی متوجه آن نیست.

در مورد فقاع دو بحث مورد بررسی قرار می‏گیرد؛ اول بحث حکمی، دوم بحث موضوعی، در بحث حکمی، باید بر حرمت و نجاست فقاع اقامه دلیل کنیم که آیا فقّاع حرام و نجس است یا خیر؟ و این یک بحث تکلیفی است. بحث دوم، بحث موضوعی است که اساساً فقّاع (آب جو) چیست؟ و آیا منحصر به جو است یا از چیزهای دیگر هم گرفته می‏شود؟

حکم آب‏جو:

فقهاء به نجاست آب‏جو حکم کرده‏اند و ماء الشعیر را در حکم خمر دانسته لذا هم حکم به حرمت آن شده است و هم حکم به نجاست آن؛ یعنی همان گونه که خمر حرام و نجس است فقّاع نیز نجس و حرام است. اما عامّه و اهل سنت فقط قائل به حرمت خمر بوده و فقّاع را حرام نمی‏دانند.

ادله بر حرمت و نجاست فقاع:

مهمترین دلیل، روایات مستفیضه است که از حد تواتر هم گذشته است و ما به چند طائفه از این روایات استناد می‏کنیم.

طائفه اول: روایاتی که در آن از لفظ خمر استفاده شده است.

روایت اول: **عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ قَالَ:** «**كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ (ع) أَسْأَلُهُ عَنِ الْفُقَّاعِ- فَقَالَ: هُوَ الْخَمْرُ وَ فِيهِ حَدُّ شَارِبِ الْخَمْرِ**»[[1]](#footnote-1) ابن فضال می‏گوید: از امام رضا (ع) درباره فقّاع سؤال کردم؟ حضرت فرمودند: خمر است و حد شارب خمر را دارد.

روایت دوم: **عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى قَالَ:** «**سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الْفُقَّاعِ فَقَالَ: هُوَ خَمْرٌ**».[[2]](#footnote-2)

روایت سوم: **عَنِ الْوَشَّاءِ قَالَ:** «**كَتَبْتُ إِلَيْهِ يَعْنِي الرِّضَا (ع) أَسْأَلُهُ عَنِ الْفُقَّاعِ قَالَ: فَكَتَبَ حَرَامٌ وَ هُوَ خَمْرٌ وَ مَنْ شَرِبَهُ كَانَ بِمَنْزِلَةِ شَارِبِ الْخَمْرِ**».[[3]](#footnote-3) در این روایت امام رضا (ع) با عبارت «حرامٌ» حکم را و با عبارت «هو خمرٌ» موضوع را بیان فرموده‏اند.

روایت چهارم: **عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ وَ ابْنِ فَضَّالٍ جَمِيعاً قَالا:** «**سَأَلْنَا أَبَا الْحَسَنِ (ع) عَنِ الْفُقَّاعِ فَقَالَ: حَرَامٌ وَ هُوَ خَمْرٌ مَجْهُولٌ وَ فِيهِ حَدُّ شَارِبِ الْخَمْرِ‌**».[[4]](#footnote-4)

روایت پنجم: **عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ:** «**سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا (ع) عَنِ الْفُقَّاعِ- فَقَالَ (ع): هِيَ الْخَمْرُ بِعَيْنِهَا**».[[5]](#footnote-5)

روایت ششم: **عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الْفُقَّاعِ، فَقَالَ:** «**لَا تَشْرَبْهُ فَإِنَّهُ خَمْرٌ مَجْهُولٌ وَ إِذَا أَصَابَ ثَوْبَكَ فَاغْسِلْهُ**»[[6]](#footnote-6)در این روایت بعد از اینکه امام (ع) می‏فرماید: خوردن فقاع حرام است، با جمله «اگر به لباست اصابت کرد آن را بشوی»، نجاست آن را هم بیان می‏کنند.

روایت هفتم: **عَنْ زَاذَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ** «**قَالَ: لَوْ أَنَّ لِي سُلْطَاناً عَلَى أَسْوَاقِ الْمُسْلِمِينَ لَرَفَعْتُ عَنْهُمْ هَذِهِ الْخَمیرَةَ يَعْنِي الْفُقَّاعَ**».[[7]](#footnote-7)

روایت هشتم: «**هیَ خمرٌ استَصغَرَه النّاس**».[[8]](#footnote-8)

طائفه دوم: روایاتی که در آنها تعبیر «الفقاع من الخمر» آمده و فقاع از جنس خمر شمرده شده است.

روایت اول: **عَنْ حُسَيْنٍ الْقَلَانِسِيِّ قَالَ:** «**كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الْمَاضِي (ع) أَسْأَلُهُ عَنِ الْفُقَّاعِ- فَقَالَ لَا تَقْرَبْهُ فَإِنَّهُ مِنَ الْخَمْرِ**».[[9]](#footnote-9)

مجموع این روایات هم بر حرمت و هم بر نجاست فقّاع دلالت می‏کند؛ با این بیان که یا حقیقتاً فقّاع، خمر است (همانطور که در بعضی از روایات آمده بود) و یا اگر چه حقیقتاً خمر نیست، اما شارع آن را بمنزله خمر قرار داده است.

بحث جلسه آینده: بحث موضوعی درباره فقاع است و اینکه اساساً فقاع به چه چیزی اطلاق می‏شود؟

**«والحمد لله رب العالمین»**

1. . وسائل الشیعة، طبع اسلامیه، ج17، کتاب اطعمه و اشربه، باب 27 من ابواب الاشربة المحرمة، ح2. - همان، طبع آل البیت، ج‌25، ص360، کتاب الاطعمة و الاشربة، ابواب الاطعمة المحرمة باب 27، ح2. [↑](#footnote-ref-1)
2. . همان، ح4. [↑](#footnote-ref-2)
3. . همان، ح1. [↑](#footnote-ref-3)
4. . همان، ح11. [↑](#footnote-ref-4)
5. . همان، ح7. [↑](#footnote-ref-5)
6. . همان، ح8. [↑](#footnote-ref-6)
7. . همان، ح9. [↑](#footnote-ref-7)
8. . همان، ح1. [↑](#footnote-ref-8)
9. . همان، ح6. [↑](#footnote-ref-9)